



۲۲

محمد رضا فشاهی : نهصت ترجمه



انتشارات گوتنبورگ

- تحولات فکری و اجتماعی در جامعه فئودالی ایران .
- محمد رضا فشاهی
- شماره ثبت ۲۲۵ - ۵۴/۲/۳۰
- چاپ رامین . بهار ۱۳۵۴
- انتشارات گوتنبورگ . تهران . خیابان شاهرضا . روبروی دانشگاه تهران
- تلفن ۴۳۴۷۹
- حق چاپ محفوظ و مخصوص ناشر است .

xalvat.com



xalvat.com

محمد رضا فشاهی در سال ۱۳۲۴ در تهران بدنیا آمده است . از سال ۱۳۴۶ در زمینه‌های تاریخ و فرهنگ در هفته نامه‌ها و ماهنامه‌ها مضم زده است و مقالاتی در زمینه شعر، داستان و تئاتر ، نوشته و به چاپ سپرده است . مدتی نیز با جنگ های اصفهان ، چاپار ، دفتر شعر و قصه و سحر همکاری داشته و مقالات و اشعاری در این نشریات به چاپ رسانیده است.



او با همکاری همسرش رایانه

نوزادیان ، داستانها و اشعار و مقالات بسیاری از پوشکین ، آکسازدر بلوک ، مایاکوفسکی ، بیه‌نین ، لوناچارسکی ، نکراسوف ، بلیتسکی ، بوریس اسلوتسکی ، یوگنی یفتوشنکو ، چخوف ، آنا آخماتوا و گورگی ، از زبانهای فرانسه و انگلیسی و روسی بفارسی ترجمه و به چاپ سپرده است . مجموعه شعر کوچکی نیز بنام «رایانه» از او در سال ۱۳۴۹ به چاپ رسیده است . کتاب حاضر در سال ۱۳۵۲ فراهم آمده و بزودی کتاب دیگری از او بنام «مقدمه‌ای بر سیر تفکر در قرون وسطی» چاپ و منتشر خواهد شد.



فهرست مطالب

۵	مقدمه ناشر
۷	پیشگفتار
۳۰	نهضت گاتاها
۳۷	از گاتاها تا مزدک
۴۶	نهضت مزدک
۵۵	اعراب در ایران
۶۵	نهضت‌های مردم (تشیع و خوارج)
۷۴	ابومسلم و خرمدینان
۹۴	مقاومت فرهنگی ایرانیان ...
۱۰۱	معنزه
۱۰۶	علم کلام
۱۱۱	مزنویان و سلجوقیان
۱۲۲	قرمطیان
۱۲۷	اسماعیلیان
۱۳۲	خصوصیات نهضت اسماعیلیان
۱۴۰	عصر مغول
۱۵۴	ویژگی‌های نهضت سریداران
۱۶۰	تیموریان ، قرقویونلو و آق‌قویونلو
۱۶۲	مشخصات فتودالی دوران تیموریان...
۱۶۸	غزلباش و سلسله صفویه
۱۸۳	افشاریه و زندیه
۱۹۵	قاجاریه ، فتودالیسم ، روابط راضی
۲۰۶	قاجاریه ، نفوذ سرمایه‌داری بیگانه
۲۱۶	نهضت باب
۲۳۵	ویژگی‌های این نهضت
۲۴۷	فرهنگ مشروطه
۲۵۲	امیرکبیر
۲۵۴	نهضت ترجمه
۲۶۴	روزنامه‌های فارسی
	متفکران مشروطه «لیبرالها و دموکراتها»
۲۸۳	میرزا صالح شیرازی
۲۹۲	میرزا علی‌خان امین‌الدوله
۳۰۲	حاج زین‌العابدین مراغه‌ای
۳۱۴	اندیشه‌های حاجی زین‌العابدین مراغه‌ای
۳۲۲	حاج سیاح



۳۴۳	میرزا فتحعلی آخوندزادہ
۳۶۵	سید جمال الدین اسدآبادی
۳۶۷	شخصیت سید جمال الدین
۳۸۶	عبدالرحیم طالبوف
۴۰۸	میرزا حبیب اصفہانی
۴۲۱	جلال الدین میرزا
۴۲۷	میرزا یوسف خان مستشارالدولہ تبریزی
۴۳۸	میرزا ملکم خان ناظم الدولہ

متفکران انقلابی

۴۷۳	شیخ احمد روحی
۴۷۸	میرزا آقاخان کرمانی

سوانح نامہ

۵۰۵

xalvat.com

ضمائم

۵۲۳	I تحولات فکری غرب
-----	-------------------

۵۳۰	افلاطون
۵۴۸	ارسطو
۵۵۴	مکتبہ های اپیکوری ...
۵۶۰	ماکیاول
۵۶۵	ژان بدن
۵۶۹	توماس ہابز

لیبرالیسم

۵۸۲	لاک ، میل ، گلاسنون
۵۸۳	فلسفہ سیاسی لاک
۵۸۶	امول لیبرالیسم کلاسیک
۵۹۰	متفکران انقلاب فرانسه
۵۹۳	منٹسکیو
۵۹۵	ولتر
۵۹۹	روسو
۶۰۲	اصحاب دائرۃ المعارف
۶۰۶	آثار شیسم در قرن نوزدهم
۶۰۸	ویلیام گڈوین
۶۰۸	ماکس اسٹیورڈ
۶۰۹	پرودون
۶۰۹	باکونین



II تحولات اجتماعی غرب

617	انقلاب کرامول
626	انقلاب کبیر فرانسه
639	اروپا در قرن نوزدهم
642	فرانسه
647	ایتالیا
647	اتریش
648	آلمان
649	پروس
650	کمون پاریس
655	روسیه در قرن نوزدهم
657	نشکلیات حکومتی روسیه
662	انقلاب ۱۹۰۵
667	کتابشناسی

xalvat.com



xalvat.com

نهضت ترجمه

ترجمه کتب مؤلفان اروپایی ، از زمان عباس میرزا آغاز شد و تحولی بزرگ در فرهنگ ایران بوجود آمد . این نهضت ریشه در احیاء صنعت چاپ داشت . زیرا سابقه صنعت چاپ و چاپخانه در ایران به نیمه اول قرن هفدهم میلادی میرسد که فرقه «کرملی» ما در اصفهان چاپخانه‌ای ایجاد نمودند و به چاپ کتب دست زدند و پس از آنها «ارامنه اصفهان» در «جلنا» چاپخانه‌ای ایجاد نمودند و کتاب «ساقموس» را در سال ۱۶۲۸ میلادی بچاپ رساندند .

با احیاء صنعت چاپ در عهد «عباس میرزا» ، ترجمه و چاپ کتب فرنگی آغاز شد . «عباس میرزا» که شیفته «پترکبیر» و «شارل دوازدهم» بود ، سفارش ترجمه کتب تاریخی را به «میرزا رضا مهندس» (یکی از شاگردان اعزامی به انگلستان) داد . میرزا رضا در مقدمه کتاب اسکندر مقدونی می‌نویسد: «اما بعد غرض از تسوید این اوراق آنست که بتاریخ هزار و هشتصد و سیزده عیسوی مطابق سال هزار و دو بیست و هشت هجری ... خاطر ملکوت ناظر اقدسش (عباس میرزا) متعلق براین بود که از اوضاع و اطوار گذشته و آینده روزگار مستحضر و از وقایعی که اتفاق افتاده باشد مطلع و باخبر باشند ... و این بنسبده کمترین ... مأمور گردید که تاریخ مزبور را (پترکبیر و شارل دوازدهم اثر ولتر) بلغت فارسی ترجمه و بنظر فیض ... سرکار والا رسانیده که باعث اطلاع و استحضار خاطر مبارک گردیده شود» (۳) «شارل دوازدهم» نخستین تألیف تاریخی «ولتر» است . او در این کتاب تنها بذكر وقایع و اتفاقات تاریخی اکتفا نمی‌کند ، بل با دیدی صحیح به تاریخ و فلسفه



تاریخ می‌پردازد و از مجموع حوادث سالیان ، نتایج سیاسی و فرهنگی و اقتصادی آن عصر را بدقت تجزیه و تحلیل می‌کند .

نمونه‌ای از این ترجمه بدست می‌دهیم : «هنگامیکه شرل درمنکت روم توقف داشت عهد سلطان احمد سیم بود شرل دوازدهم بعد از ورود بشهر بندر کاغذی بخدمت سلطان روم نوشت مورخ گوید که چندین کاغذ بمن نشان دادند از قراریکه می‌گفتند سواد کاغذهای شرل بود که درحین توقف در خاک روم بسطان نوشته است چون درست خاطر جمعی نداشتم لهذا مضمون آنها را در تاریخ خود بسط ندادم این قدر معلوم میشود که مضامین نوشته‌های شرل این بوده که از دولت عثمانلو امداد خواسته بود و...» (۴).

ازجمله کتابهای دیگری که میرزا رضا مهندس به سفارش عباس میرزا بفارسی برگرداند کتاب معروف «انحطاط و سقوط امپراطوری روم» اثر مورخ انگلیسی «ادوارد گیبون» Edward Gibbon بود که با نام تاریخ «تنزل و خرابی دولت روم» بفارسی ترجمه شد .

میرزا رضا نیمی از این کتاب را ترجمه کرد و گویا با مخالفت درباریان روبرو شد و از ترجمه نیمه دیگر دست کشید . نمونه‌ای از این ترجمه بدست می‌دهیم: «آن امپراطور پیرغروبیدین صفات ذمیمه خود را منتصف ساخته بسیار مغرور و متکبر شد و بمرور ایام پرده حیا از چشمش برخاسته آمد مصمم گشت براینکه هرچه از علمای بدو ناصواب که تا آنوقت درحضور چند نفر از مقربان و محبوبان خودش بمعمل می‌آورد درنظر کل مردم و اهل روم ظاهر سازد بنابراین چند روزی معین کرد که در آنروزها عموم اهل شهر روم در دارالسور جمع شوند و در حضور آنها هنرهای مضحکه‌آمیز خودش را که چندین قسم خوف و خنده در میان آنها بود بعمل می‌آورد ... و از جمله هنرهای او این بود که حیوانات درنده را دست و پا بسته در جایی می‌گذاشتند آن امپراطور تیروکمان خود را بدست گرفته می‌گفت که سینه آن حیوان را نشان کرده‌ام و یاینکه سرش را درنظر گرفته‌ام هرگز تیر او را نمی‌شد و زخم تیر و نیزه‌اش همه اوقات مهلک بود و...» (۵).

نهضت ترجمه و چاپ کتاب ، پس از مرگ «عباس میرزا» و «فتحعلی‌شاه» ، در دوران سلطنت «محمدشاه» دچار فترت شد و درعهد «ناصرالدین‌شاه» و «مظفردالدین‌شاه» باوج خود رسید .

برکارترین مترجمان این دوره ، «محمد طاهر میرزا» و محمدحسن خان «اعتمادالسلطنه» بودند . «محمد طاهر میرزا» فرزند «اسکندر میرزا» (ششمین فرزند عباس میرزا) در ۱۱ شوال ۱۲۵۰ قمری در تبریز بدنیا



آمد . از کودکی به تحصیل ادبیات عرب پرداخت و سپس زبان فرانسه را بخوبی فرا گرفت . تسلط او به زبان فرانسه تا بدان حد بود که مورد تأیید «اعتمادالسلطنه» قرار می‌گرفت . او پس از تحصیل در دانشگاه «الازهر» مصر به ایران بازگشت اما میلی به خدمات دیوانی نشان نداد و بکار ترجمه پرداخت و اکثر آثار «آکسفوردوما» را بفارسی برگرداند . باید متذکر گردیم که آثار «دوما» در عصر قاجاریه بیشتر از مر نویسنده دیگر مغرب زمین ، مورد التفات مترجم و خواننده بود و این چند دلیل داشت . اول اینکه اکثر مترجمان آن عصر ، اطلاعات مختصری از فرهنگ اروپا داشتند و چون آشنایی آنها با این فرهنگ ، علمی و عمقی نبود ، التفاتی به رمان نویسان بزرگ اروپا نظیر تولستوی - بالزاک - فلوربر - دیکنس - داستایوسکی - تورگنیف - اسناندال و دیگران نشان نمیدادند . دوم اینکه آثار پهلوانی «دوما» به ذائقه خوانندگانی که با داستانهای پهلوانی عامیانه نظیر «سمک عیاره» و «حسین کرد شیبزری» مانوس بودند ، بیشتر خوش می‌آمد . و درست است که آثاری مثل «جنگ و صلح» تولستوی نیز تقریباً اثری جنگی و پهلوانی است ، اما درک و هضم مطالب فلسفی و تاریخی که در متن این کتاب نهفته است ، چندان ساده نیست و بدین علت ، در آن دوره ، قهرمانانی نظیر «اوتوس» - «آرامیس» و «دارتانیان» ، بیشتر مورد پسند مترجم و خواننده بود تا قهرمانانی نظیر «پییر بزوخوف» و «برنسی آندره» و «ژولین سورل» و غیره . مجموعه آثار «دوما» که به هزاران صفحه میرسد ، از دیدگاه هنر و ادب ، در مرتبه پائین‌تری از اثر کم حجم پسرش ، «مادام کامیلیا» قرار دارد . یاری ، محمد ظاهر میرزا آثاری چون لارن مارگو - لوئی چهاردهم و عصر و فرانس - سه تفنگدار - «کنت مونت کریستو» و «لورد عوبه» اثر «دوما» و نیز «ژیل بلاس» اثر «لساژ» را بفارسی برگرداند .

از ویژگیهای ترجمه‌های «محمد ظاهر میوزا» ، سادگی زبان و بدور ریختن بی‌رایه‌های اضافی است بطوری که نه تنها اهل کتاب ، بل مردم عادی نیز آنها را با میل و رغبت مطالعه میکردند و با تحولات سیاسی و اوضاع دربار فرانسه آشنا می‌شدند . نمونه‌هایی از ترجمه‌های او بدست می‌دهیم . از کتاب لوئی چهاردهم و قرن و عصرش : «تئاتر را در خیابانی مهیا نموده بودند . در آنجا بازی مقدمه پلیتون دلفاشو از مولیر را بازی کردند شاه زیاد تفریح کرد از کومدی (کمدی) و سایرین زیاد تحسین نمودند از بازی شاسور . زیرا معروف شده بود که لوی خود دستورالعمل این بازی را بمولیر داده است و ۰۰۰۰ (۶)



نمونه از کتاب «لارن مارگو» : «مورول گفت آری جشن فریبی از جنس غریب هست که بازیگران این جشن تمام موکنو مستند که کاتو-لیکها آنها را برقص فوق العاده خواهند رقصاند اگر بامن همراهی نمایی میرویم که اول رئیس اینطایفه را از منزل بیرون آورده رقص کاملی باو بدهیم (اشاره است به قتل عام پروتستانها بدست کاتولیکها) کورکوناس گفت امیرال را؟ گفت آری آن بیرهسگ که سفیهانه خطا کردم در زدن و حال آنکه با تفنگ مخصوص شاه زدم» (۷).

از کتاب «سه تنگدار» : «... مازارین بعجله وشقاب تمام برخواستنه و از ملکه انگلستان استقبال نمود . وجوی در وسط دهلیز رسید و بقدری باین ملکه بی خدم و حشم احترام نمود که در پیش خود منفعل گردید که از حد تجاوز نموده است و باخود میگفت که ببین بچه صورتی مالیم آمده است که از من چیزی بخواهد یا پولی قرض بگیرد و...» (۸).
از کتاب «کنت مونت کریستو» : «کنت پرسید حسرت هیچ چیزی را نداری مورل؟ مورل گفت نه کنت - گفت حتی مفارقت مراهم ؟ مورل را دوقطره اشک از چشم بی اختیار بیرون دوید - کنت گفت عجب است شما را هنوز حسرتی در دل مانده و میخواهی که بدرود زندگانی نمائی؟ مورل گفت وای وای کنت . مستدعیم که دیگر چیزی نگوئید و برادیت و شکنجه من طول ندهید و...» (۹).

از کتاب «لورد موب» : «وقتیکه خدمتکار دون لوتاریوس را پیدا میکرد شماظه ساعت ده بعد از نصف شب را میزد در پهلوی رختخواب او یک میز کوچک و روی آن سینی قهوه و نان سخری با چند نمره روزنامه گذاشته شده بود که یکی از آن روزنامهها در ساعت نه صبح طبع و منتشر گردیده و فقط محتوی بوقوعات شب بود ...» (۱۰).

از دیگر مترجمان پرکار این دوران یکی هم «محمد حسن خان اعتماد» السلطنه، بود . او فرزند «حاج علیخان صنیعالدوله» (قاتل امیر کبیر) بود . در سال ۱۲۵۶ قمری در تهران بدفیا آمد و بعدها بمدرسه «دارالفنون» رفت و در سال ۱۲۸۰ به «پاریس» رفت و برزیان «فرانسه» تسلط کامل پیدا نمود .

در ۱۲۸۴ بایران بازگشت و با سمت مترجم حضوری در دربار ناصرالدین شاه بکار پرداخت . در ۱۲۸۷ رئیس دارالترجمه - در ۱۲۹۰ وزیر عطیله و در ۱۲۹۸ و ۱۲۹۹ و ۱۳۰۰ بقریب رئیس دارالتالیف - عضو شورای دولتی و وزیر انطباعات گردید . و سرانجام در ۱۳ فروردین سال ۱۳۱۲ قمری درگذشت .

«اعتمادالسلطنه» هنگامی که وزیر «انطباعات» شد ، تنی چند از



چوانان باذوق را استخدام نمود تا به ترجمه کتب بپردازند و ایمن مترجمان نیز کتابهایی چند از زبانهای فرانسه و انگلیسی و عربی و هندی ، بفارسی ترجمه کردند .

او خود تالیفات و ترجمه‌های بسیار داشت . قزوینی می‌نویسد که اعتمادالسلطنه تالیفاتی نداشته و آنچه بنام اوست ، از آن دیگران است (۱۱) .

«محمد محیط طباطبائی» او را «بزرگترین استعمارگر علما و فضیلاب عصر خویش» می‌داند(۱۲) . «بزاز» نیز چنین عقیده‌ای دارد (۱۳) .

یائینهمه هیچ شکی نیست که ترجمه‌های او ، کار خودش بوده و نیز تعدادی از تالیفاتش مانند «خلسه» از قلم او جاری شده است . خلسه یکی از بهترین و شاید بهترین تالیفات اعتمادالسلطنه است . این کتاب در سال ۱۳۱۰ تالیف شده و نویسنده که در سفر شاه به عراق عجم ، در رکاب شاه بوده ، هنگام اقامت در «ساره» روزی به دیدن مسجد شاه طهماسب میرود و گرمای فوق‌العاده ، باعث میشود که به حالت خلسه فرو رود و شاهد محاکمه‌ای عجیب می‌گردد که در آن پادشاهانسی نظیر «کوروش» و «داریوش» و «آرشاک» و «اردشیر بسایگان» و «آوشیروان» و «شاه اسماعیل صفوی» و «نادرشاه» و «آغا محمد خان قاجار» ، یازده تن از وزیران قاجاریه «حاجی ابراهیم‌خان شیرازی» و «میرزا شفیق مازندرانی» و «محمد حسین خان اصفهانی» و «میرزا ابولقاسم قائم مقام» و «حاجی میرزا آقاسی» و «میرزا تقی‌خان امیرکبیر» و «میرزا آقاخان نوری» و «میرزا محمد خان سپهسالار» و «میرزا حسین خان سپهسالار» و «مستوفی‌الممالک» و «میرزا علی‌اصغرخان اتابک» (امین‌السلطان) را به محاکمه کشیده‌اند .

طرح سوررئالیستی زمان به «اعتمادالسلطنه» اجازه داده است که تا از زبان این پادشاهان خدمات و خیانت‌های این وزیران بیان گردد و اطلاعات محرمانه بسیاری درباب سیاست پشت پرده ایران که توده آلمان از آن بی‌خبر بود ، در اختیار خواننده گذاشته شود . در این کتاب هرچه اتهامات وارده در مورد خیانت بوطن ، درباب «میرزا آقاخان نوری» و «امین‌السلطان» و «حاج میرزا آقاسی» و چندتن دیگر یکسره راست است ، اتهامات او به «امیرکبیر» ، ناجوانمردانه است و این بدان علت است که پدر اعتمادالسلطنه قاتل امیرکبیر بوده است (۱۴) .

باری ، از ترجمه‌های اعتمادالسلطنه می‌توان – طبیب اجباری – سرگذشت خانم انگلیسی – داستان رویسون سویسی – خاطرات مادموازل درمونت یانسیه – شرح احوال کریستف کلمب – و سیاحت



نامه کاپیتان آتراس را ذکر کرد .

او در یادداشت‌های روزانه‌اش نیز چندبار اشاره به ترجمه‌های خود دارد : «امروز شاه سرخه حصار قشربک بردند . من خانه ماندم قریب دو هزار بیت ترجمه نمودم» (۱۵).

نمونه‌ای از ترجمه‌های او بدست می‌دهیم: «طیب اجباری» اثر «مولیر» یکی از ترجمه‌های خوب این نویسنده است . اعتمادالسلطنه به این نمایشنامه شکلی ایرانی داده و نامهای قهرمانان آنرا از نامهای ایرانی انتخاب نموده و محل وقوع داستان را در قریه فیروزآباد در یک منطقه جنگلی قرار داده است : «خانه محقری در میان جنگل واقع در حدود قریه فیروزآباد بنظر می‌آید که عبارت از دواطاق درو پنجره شکسته است نصف یکی از آن دو اطاق را بایک نم آحکی سه زرعی فرش کرده و بعضی اسباب در چادر شب شطرنجی وصله‌دار پیچیده تکیه آنرا بپیواز داده‌اند در یکی از طاقچه‌های این اطاق سماور کج و معوج چرکی از حللی و کتری سیاه و دو استکان لب پریده در دو نعلیکی بند زده و در کیسه از شله‌قرمز کهنه بعضی اسباب دیده میشود و...» (۱۶).

از ترجمه‌های خوب «اعتمادالسلطنه» ، یکی هم کتاب «شرح خاطرات مادموازل دومیونت پانسیه» است . این کتاب ، شرح زندگی دختر عموی لوئی چهاردهم است و مطالب آن اختصاصی به فساد و خوشگذرانیهایی دربار فرانسه دارد . اعتمادالسلطنه خلاصه‌ای از تاریخ فرانسه را نیز ترجمه نمود و به این کتاب اضافه کرد و نام «تاریخ فرانسه بدان داد . بااینهمه «ناصرالدین‌شاه» دستور جمع‌آوری نسخه‌های کتاب را صادر کرد . زیرا از تأثیر مطالب آن برتوده مردم بیم داشت و بزرگوار همین مسئله نیز گذرتی بین مترجم و «ناصرالدین‌شاه» بوجود آمد و «اعتمادالسلطنه» خدمت دولت را ترک گفت اما پس از دلجوئی شاه از او ، دوباره به کار خود بازگشت که شرح مفصل آن در روزنامه خاطرات آمده است (۱۷).

نمونه‌ای از ترجمه این کتاب بدست می‌دهیم : «... روزی غفلة وارد اطاق کفنیس فیلسک شدم منزل نبود کاغذی روی میز او دیدم که بیکی از دوستانش که در پاریس بود نوشته امانت و دیانت را کنار گذاشته بسبک کنجکاوای که بیشتر عادت زنان است کاغذ را خواندم دیدم از شوهرش شکایت کرده که چرا از اخلاص کیشان پرنس کنده است . در صورتیکه خودش در سلک هواخامان سلطنت منسلک میباشد از خواندن این کاغذ و حالت آنزن تعجب کردم چه میدانم که من یا پادشاه و اهل دربار راهی ندارم و از آنها بیزارم و با پرنس کنده دوست و



همکار و ... (۱۸)

بجز کتابهای نامبرده ، کتب مفید دیگری نیز در عصر قاجاریه بفارسی ترجمه شد که در ساختمان فرهنگ مشروطه تأثیری اساسی داشت .

در سال ۱۲۷۹ قمری در زمان ناصرالدین شاه کتابی بنام «حکمت ناصریه» یا «کتاب دیاکرت» بفارسی ترجمه و انتشار یافت . این کتاب همان اثر معروف «کارت» گفتار در روش راه بردن عقله بود. نوع ترجمه و نثر این کتاب بسیار بداست ، با اینکه یکمک این ترجمه ، برای اولین بار درجه فلسفه جدید غرب ، بروی ایرانیان باز شد. نمونه : «... و هم ملاحظه نمودم نسبت تجاربی را که لازم‌ترند مقارن اینکه هر قدر سبقت نموده‌ایم در معرفت بجیتی که از برای شروع بهتر است استعمال نمودن مطالبی که بنفسه در هوش ما متصور میشود از آن مطالب که نادر و منحن‌تر هستند و نمیتوانیم ندانیم و نفهمیم هرگاه قدری غور و تعمق کنیم چونکه نسبت شروع با اولین‌ها بهتر است و مطالب نادره اکثر اوقات ما را فریفته میکنند وقتی که نمیدانند ارباب تجارب دلایل آن تجاربیکه مألوف و متداول‌تر و صغیرتر هستند و...» (۱۹).

در اهمیت ترجمه این کتاب ، همین بس که حکمت «کارت» درقرنی در ایران ترجمه میشودکه بزرگترین فیلسوف آن «حاج‌ملاهادی سبزواری» عکاسی را حرام میدانست و هنگامیکه عکس خودش را دید ، انگشت حیرت بدندان گرفت!

نمونه از کتاب «دیل کابریله اثر «اگوست ماکت» به ترجمه سردار اسعد: «روز یکشنبه بیست و پنجم ژویه در سال هزار و پانصد و نود و سه میلادی که مطابق بود بمرطان سنه هزار و دو هجری این روز یکی از ایام نامی شده است که از صفحه تاریخ محو شدنی است . درین روز قبل از طلوع آفتاب از دور صدای ناقوس کلیسای سنت دنی مسموع میشد این صدای ناقوس آمیخته میشد بصدای ثوب که از برای تبریک هراحظه اطراف و نواحی پاریس را بتزلزل درمی‌آورد و...» (۲۰) «دیل کابریله» درحقیقت شرح زندگی «هانری چهارم» و وقایع قرن شانزدهم فرانسه است .

«تاریخ سنت هلن» که توسط «علیخان» فرزند محمد طاهر میرزاه بفارسی ترجمه شد ، شرح وقایعی است درباب تاریخ فرانسه که از اواخر قرن هیجدهم (درحدود ۱۷۹۵) آغاز و با تبعید «بناپارت» به بسنت هلن، خاتمه می‌یابد . نمونه‌ای از ترجمه بدست می‌دهیم: «مدتی



بعد درحینى كه امپراطور نقاط مختلفه دوره شورش و اختلال را سیر مینمود توجه خاطر را درباره «رویس‌بیر» كه حقیقتاً او را نمی‌شناخت ولی در شخص او لیاقت و استعداد و قانونی معتقد نبود متوقف ساخت معه‌ذا او را در زمره مامورین مخفی رولسیون چون بزوری مینداشت كه كه همینكه بخیال این افتاد كه آفرای از حرکت باز دارد فوراً رنجش نمودند و این نقره منحصر باو نبود بلكه قسمت و تقدیری بود مشترك برای هر كس حتى خود ناپلئون و... (۲۱).

«تاریخ فردریك گیوم» درباب وقایع زندگی «فردریك گیوم» امپراطور «پروس» بود و کلیه انقلابات «آلمان» و «پروس» از سال ۱۷۹۴ تا انقلاب سال ۱۸۴۸ «فرانسه» و «آلمان» و «پروس» در آن شرح داده شده بود. این كتاب توسط «محمد طاهر میرزا» بفارسی ترجمه شد. نمونه‌ای از آن بدست می‌دهیم. این نمونه در وقایع انقلاب سال ۱۸۴۸ پروس است: «و میدید كه در پیش چشمش میگذشت تمام رقایسع نابسنتان سال هزار و هشتصد و چهل و هشت و او چون تماشا كننده بی‌خس می‌نگریست و میدید تمام اختلافات و زد و خورد میانه وزراء و اهل مجلس و منافشه میان اهل مجلس و شاه را. مجلس در عزم خودش و عمل قانون گذاری افراط کرده و بدون اینکه سلطنت را نسخ و ابطال نماید از حدود خودش تجاوز نموده امتیازات سلطنتی را بنای اصلاح گذاشت و...» (۲۲).

یکی از بهترین کتابهایی كه در قرن نوزدهم میلادی (سیزدهم هجری) بفارسی ترجمه شد، كتابی بود با نام The Bronze Statue (تندیس برنزی) یا The Virgin's Kiss (بوسه باكره) اثر یکی از پركارترین نویسندگان قرن نوزدهم انگلیس بنام George Reynolds (جورج رنولدز) (۱۸۱۴-۱۸۷۹). این كتاب بدستور «اعتمادالسلطنه»، توسط «سید حسین صدرالمعالی» بفارسی ترجمه شد و در سال ۱۳۱۱ قمری به «ناصرالدین شاه» داده شد. اما چاپ كتاب در سال ۱۳۲۶ یعنی در زمان «محمدعلی شاه» انجام گرفت، زیرا كه مطالب تند و تیز آن... خشم «ناصرالدین شاه» را برانگیخته بود. صدرالمعالی در مقدمه كتاب می‌نویسد كه ترجمه را نزد «امین‌الدوله» برده بود و برای چاپ آن از او كمك خواسته بود. اما «امین‌الدوله» كه چاپ كتاب را محال میدانسته به مترجم گفته بود: «چون این كتاب مستطاب مخالف با خیال و عوالم استقلال است و بعبارة آخری برضد سلطنت معموله مروجه ایران...» عجلتاً برشمانست كه احتیاط را از دست ندهید و رعایت مقتضیسات عصر را نموده بمرتبه كشف اسرار نماندید و یرده استناد رایی محابا



مدريد و بقدر امکان يوشيده سخن گوئيد بلکه به آرايش عبارت و پيرايه کنايت و استعارت مطلب را بسازيد و...» (۲۳).

«بوسه عذرا» رمانی است شيرين درباره قيام‌های آزاديخواهانه نوده‌های «بوهم» و «چکه» و بدین قرار است که در اوائل قرن ۱۵ ميلادی کشيشی بنام «ژان هوس» از اهالی «بوهم» که در رسالت و خطابه‌هايش، برضد دستگاه «پاپ» و مذهب کاتولیک برخاست.

حکومت وقت و شورای مذهبی وابسته به آن، فرمان سوزاندن «ژان هوس» و کتابهايش را صادر کرد و اين حکم در ۶ ژوئيه ۱۴۱۵ بمرحله اجرا درآمد و پيروان او تحت رهبری شخصی بنام «يان ژيزکا» قيام کردند و طلب حکومت «جمهوری» نمودند. اين شورش تا اوایل قرن هفدهم ميلادی ادامه داشت و در اين زمان پيروان «هوس» که بمذهب «پروستتان» «لوتر» پيوسته بودند از کاتولیکها شکست خوردند و مذهب کاتولیک در سراسر «چکوسلواکی» ، مذهب رسمی اعلام شد (۲۴). بطور خلاصه شورش پيروان «هوس» که در ابتدا رنگی مذهبی داشت، رفته رفته تبديل به انقلابی سياسی شد و حداقل خواست اين دسته، لغو سلطنت و استقرار حکومت جمهوری بود.

نمونه‌ای از ترجمه بدست می‌دهيم: «خبری که از بابت عزم و اقدام ژان زتيزکا بمهمانخانه رسیده می‌الحقیقه راست بود و سردار طاربوريون برآن شد که با مستبدین هرج و مرج طلب مملکت (بوهم) جنگ کند و بنياد آنها را براندازد. بنا براین زتيزکا قبل از آنکه دست بکار جدال و قتال شود به سان عساکر و لشکریان خود پرداخت و در میدان مربع شهر پراغ (پراگ) اينکار بساخت. و آن در اوخر ماه «اوکست» بود و آنروز بصورتی غریب و با عظمتی تمام در انتظار جلوه نمود و... ژان زتيزکا را خيال تغيير سلطنت قوت گرفت و دامن همت برکمر زد که دولت مشروطه را استوار سازد و بنياد استبداد و ظلم را قلع و قمع نماید و تاجان دارد برای آزادی ملت و آبادی وطن گمارد و...» (۲۵).

کتاب «سرگذشت کنتس دوپاری» معشوقه لوسی پانزدهم که توسط «ابو تراب نوری» بفارسی ترجمه شد، درحقیقت نمایشگر اوضاع فرانسه قبل از انقلاب کبیر بود. نویسنده آن «کنتس دوپاری» که ناظر برتمام وقایع دربار فرانسه بود این کتاب را بصورت مراسله برای یکی از دوستان خود نوشته است.

نمونه‌ای از ترجمه: «... تمام شهر تمام مملکت تمام ملت برمن خواهد شورید. فریادها خواهند کشید. نعره‌ها خواهند زد نظم، نشر، تصنیف هجو معما از در و دیوار خواهد بازید اول بشما حمله خواهند



برد و بعد شاید جسارت را ثقیله جوئی را تا یمن خوانند
 رسانید و دوباره بهینیم که دور و عصر دامین تجدید شده است که
 بعضی‌ها میگویند تحریک پارلمان و بعضی میگویند تحریک
 روزنیته‌ها و ... (۲۶).

مهمترین کتابی که در زمان محمدعلی شاه ترجمه شد ، کتابی است
 بنام «تاریخ شورش روسیه» درباره انقلاب سال ۱۹۰۵ روسیه و مجامعات
 آزادیخواهان روس با «نیکلای دوم» .

در تاثیر این انقلاب بر مشروطه خواهان ایران همین بس که مترجم
 کتاب در مؤخره مینویسد : «در مقدمه‌ماه قبل شروع بطبع این کتاب گردید
 و قریب پنج جزو آن بطبع رسیده بود که آن واقعه حایله رخ نمود یعنی
 استبداد صغیر شروع شد و در آن زمان شوم برای منتشر شدن این
 قبیل کتب و اوراق از طرف وزارت مطبوعات امر بتوقیف این کتاب
 گردید و ...» (۲۷).

قهرمانان این کتاب «گورتشاکف» نام دارد و چنانکه از مطالب
 کتاب برمی آید گویا یکی از اعضای دسته «نیپلیست‌ها» و یا «انارشئیست‌ها»
 بوده است . سراسر مطالب این کتاب ، شرح مبارزه دسته‌ها و احزاب
 مختلف روسیه مثل سوسیال رولسیونرها - انارشئیست‌ها - نیپیلیست‌ها -
 سوسیال دمکرات‌ها - لیبرال‌ها و نیپیلیست‌ها ، یا پلیسی تزاری است و
 سیر حوادث آنچنان هیجان انگیز است که خواننده را مجذوب میکند .
 نمونه‌ای از ترجمه بدست می‌دهیم : «چون قطار امپراطوری بایستگاه
 راه‌آهن «بورگی» رسید واقعه روی داد که ارکان مملکت روسیه رامنززل
 و مضطرب ساخت و دلهای وزرا و رجال و حکام را بحیرت و دهشت
 انداخت یعنی قطار مخصوص ... بواسطه دینامیت از جای کنده شد
 گویا دینامیت در وسط آن ترکیبده و آنرا بکلی متلاشی و پراکنده ساخت .
 بعضی اطاقها خورد شده و برخی سوخت بیست نشر مقتول و نشر منفرد
 و بسیاری مجروح شده‌اند جمعی که باقی ماندند گرفتار و دستگیر شده‌اند
 تا مقصر معلوم شود و ...» (۲۸).